

DEAR MY HORROR

AOISEKAI

Uploader

Luffy

Translator

Mehvnaz

Editor

Reverie & Hadis

Director

Medusa



۱۰ دقیقه قبل از شروع هر کلاس، حاضر باشید.

زنگ اول [زبان گروه‌ای]	- 8:40 ~ 10:00 (80 دقیقه)
زنگ دوم [ریاضی]	- 10:30 ~ 12:10 (100 دقیقه)
زنگ سوم [زبان انگلیسی]	- 13:10 ~ 14:20 (70 دقیقه)
زنگ چهارم [تاریخ گروه و مطالعات اجتماعی]	- 14:50 ~ 15:20 (30 دقیقه)
	- 15:35 ~ 16:05 (30 دقیقه)
	- 16:07 ~ 16:37 (30 دقیقه)

پس با این،
امتحان‌های آزمایشی
دبیرستان بالاخره تموم
شدن...



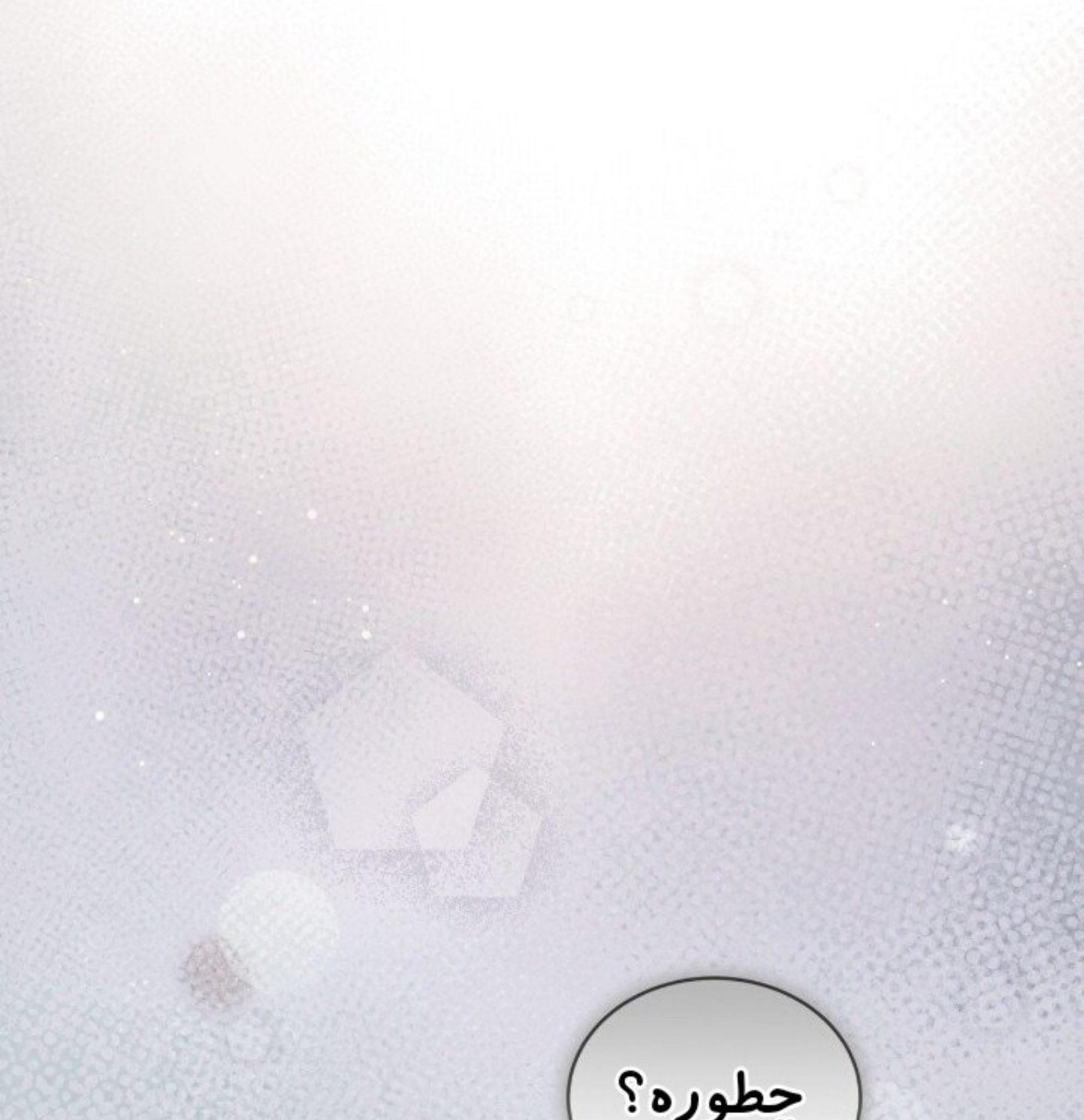
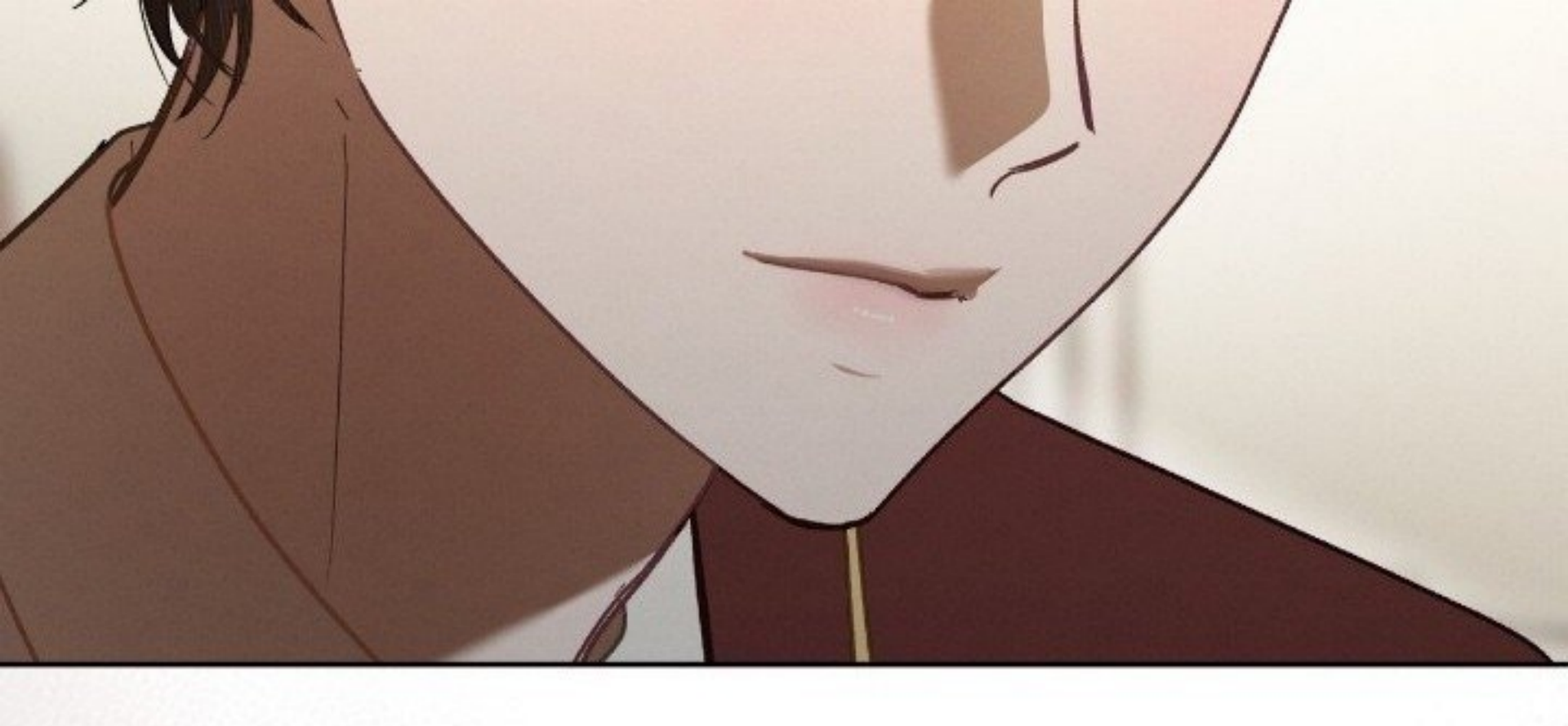
نمی‌دونم چرا، ولی
حس می‌کنم امروز قراره
خوب پیش بره.



چوی کیل هیون
امروز نیومده مدرسه،
چون رفته سفر
خانوادگی.

و موجونگ هو هم
امروز نیومد...





چطوره؟



خوشمزه ست.



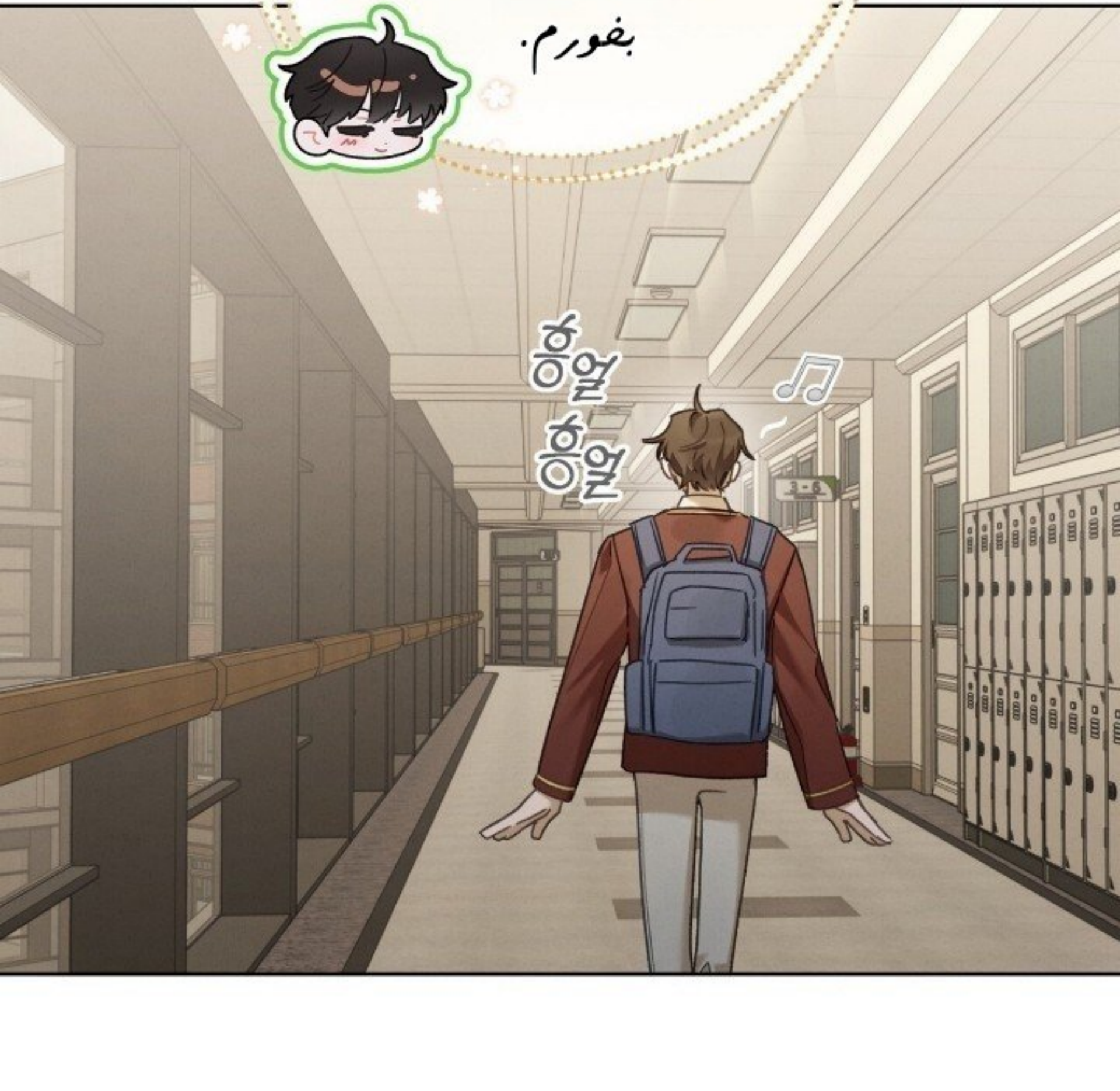
خداروشکر.

اه، چرا هی دارم به دیروز فکر می کنم.



آگه امروز برده

شام صدمه کرده، باید برم
سالن غذاخوری و غذا
بخورم.



دلپستی شیطان

~ 15 ~



هاه؟



این آهنگ دیگه
واسه چیه؟

صدا داره از
عمارت می‌آد؟

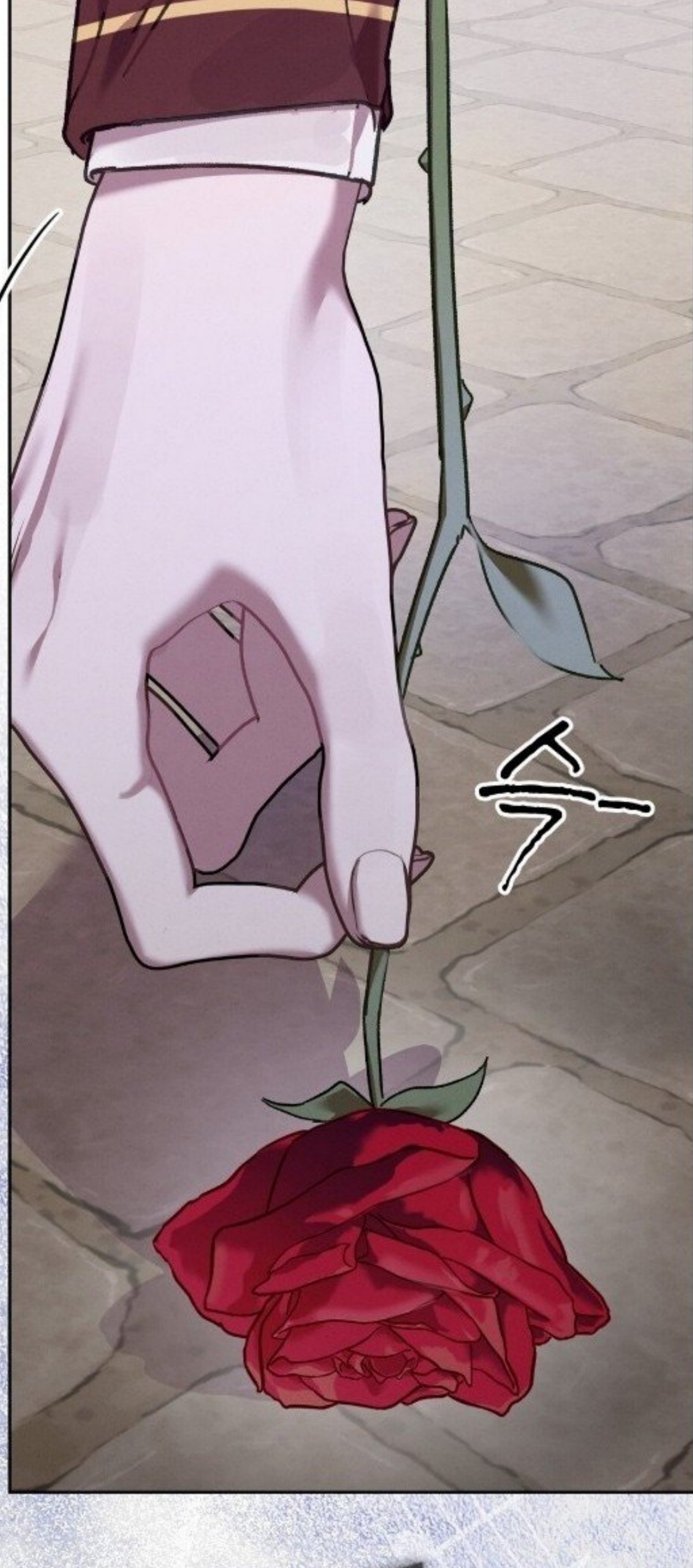
چرا دوباره
باغ این قدر به هم
ریخته‌ست؟



저벅



کاری از تیم
ترجمه و ادیت انویسکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید







저녁

دارن مهمونی
یا همچین چیزی
می گیرن؟

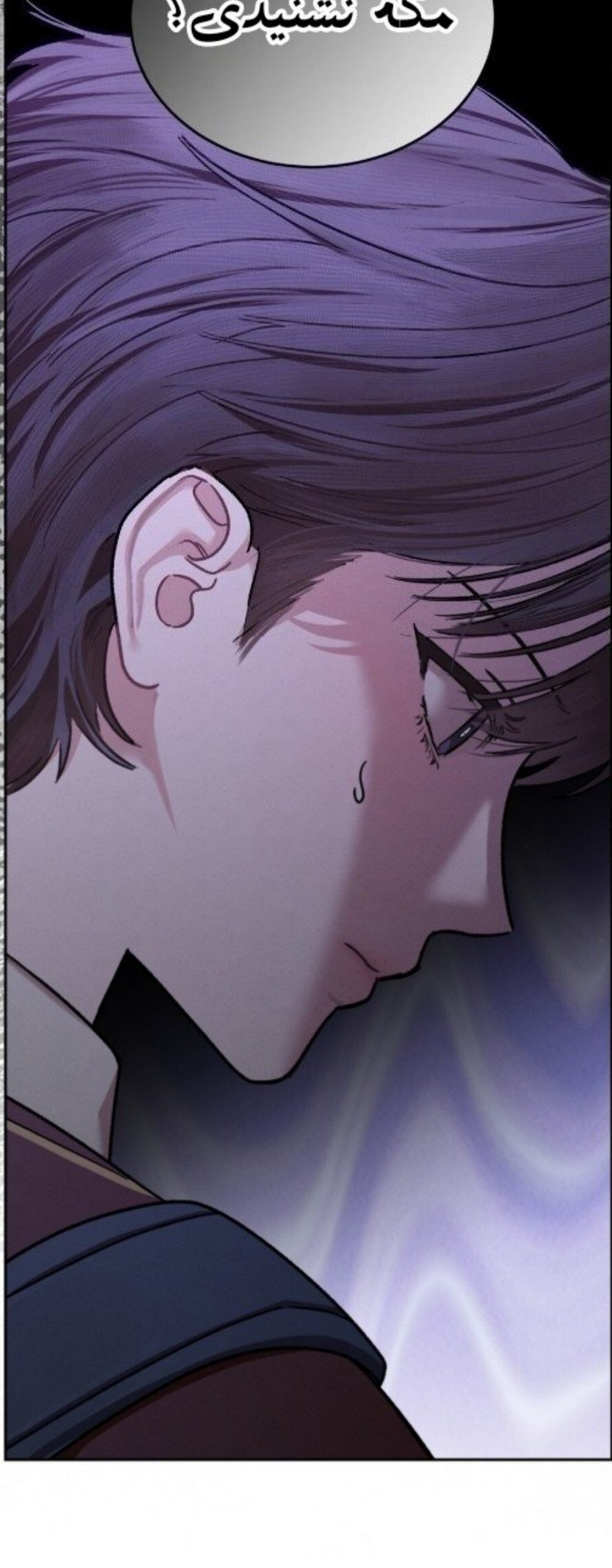
عه، این همون
پسر هست!



پسر شایعات
درستنه.

اون کیه؟

مگه نشیدی؟



این همون امگانه
که مویونگ هو از شرع
نگهداری می کنه.

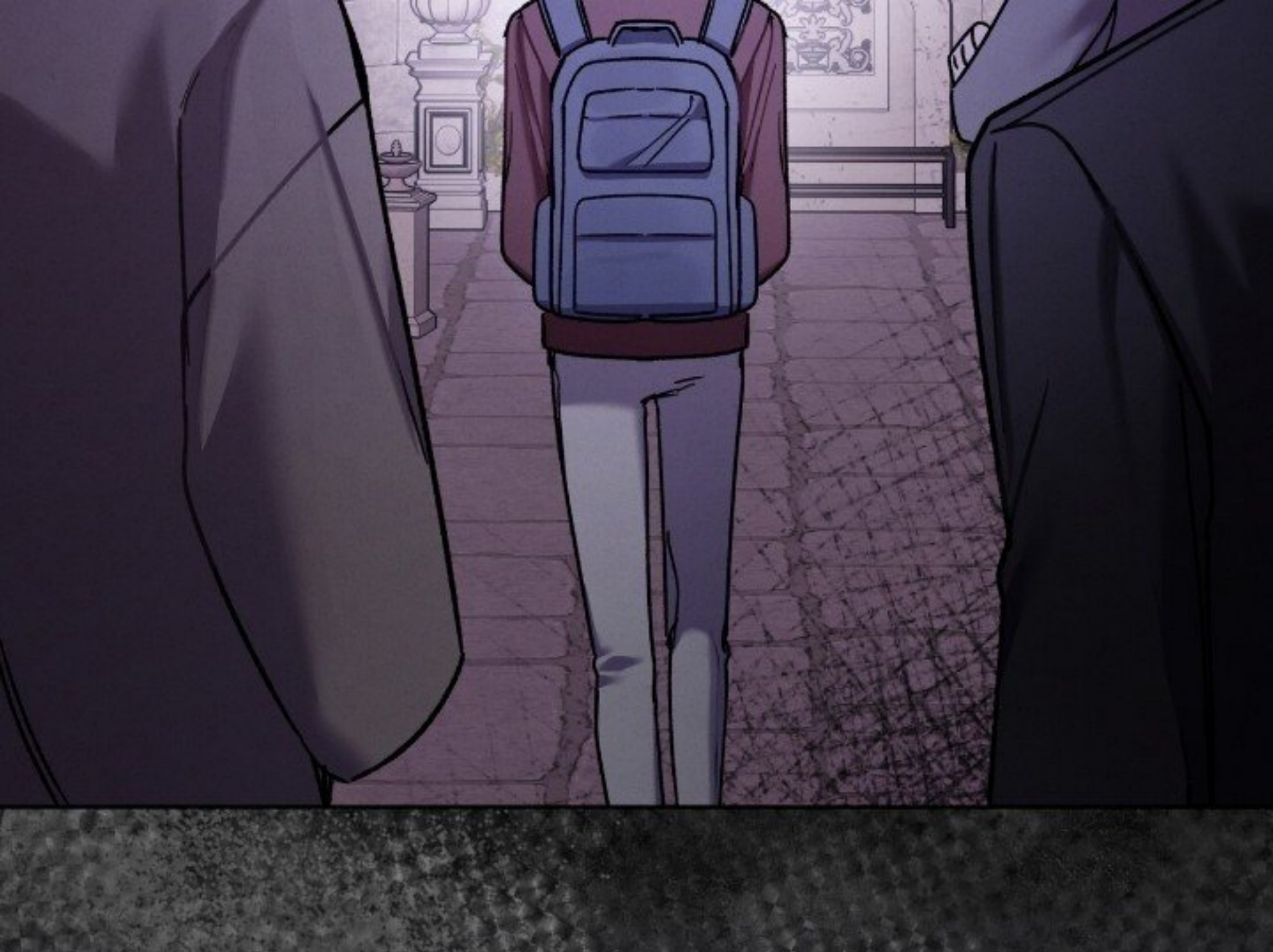
수준

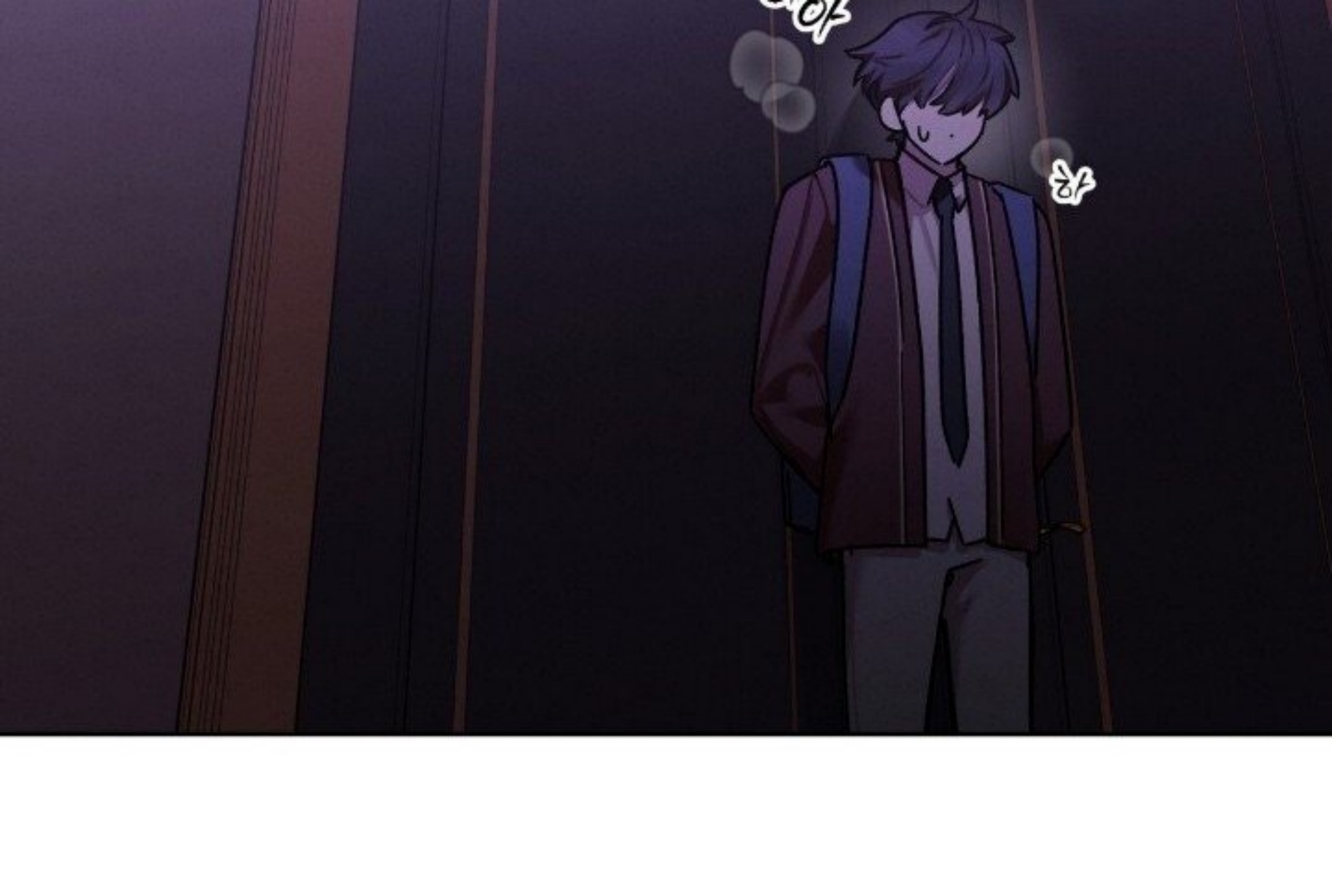
عه، ~، پسر
شایعات درست
بودن.

آها، پسر
این اسباب بازی
مویونگ هوئه؟

수준



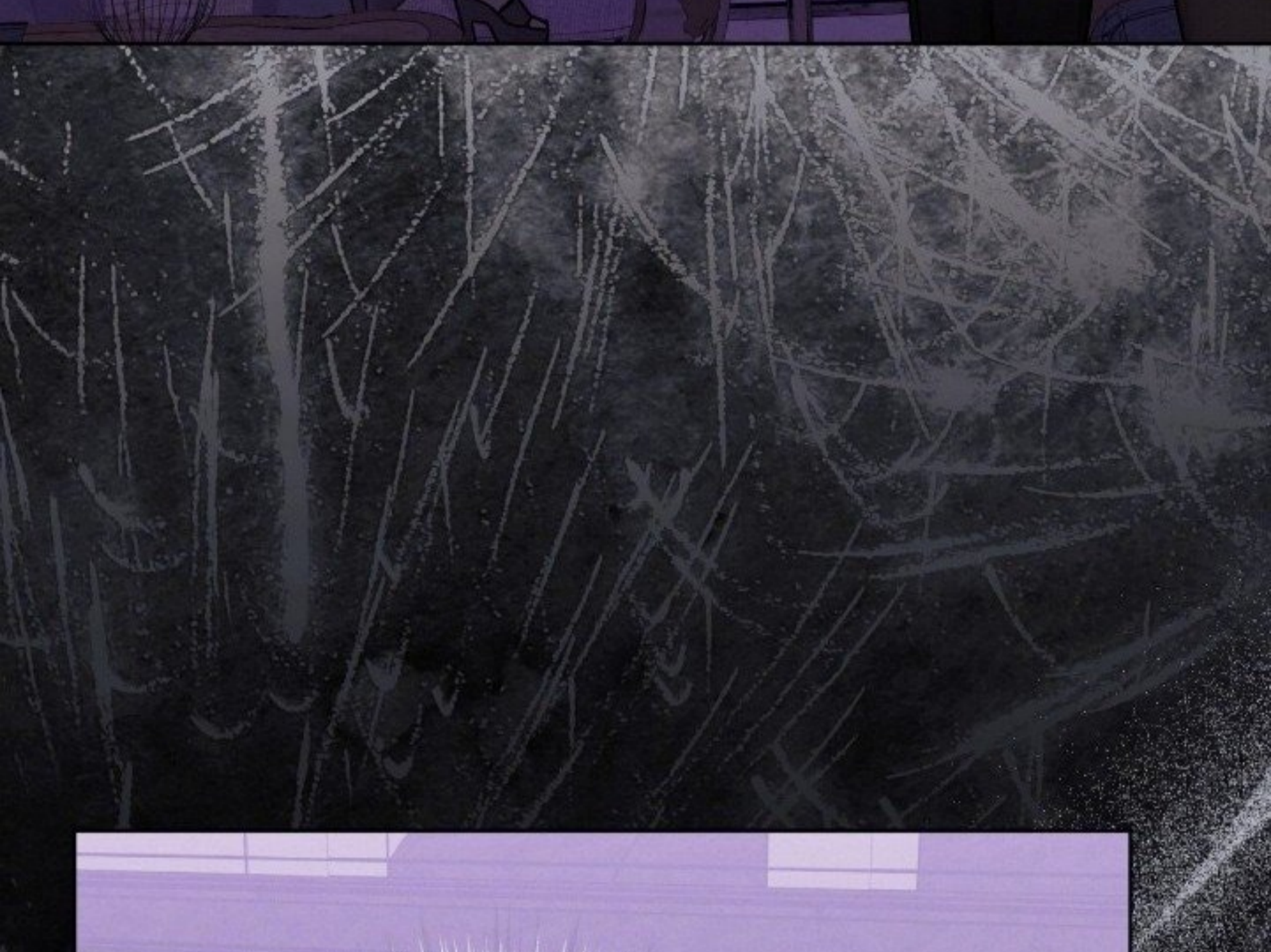




چرا ان قدر
تاریکه؟ نمی تونم
ببینم،



ای بابا،
پس مهمونی فقط
بیرون نیست؟



اول، باید
سریع برگردم تو
اتاقم.

터벅

터벅

خوب موقعی
اومدی.



تو هم
می خواهی به مهمونی
ملحق شی؟



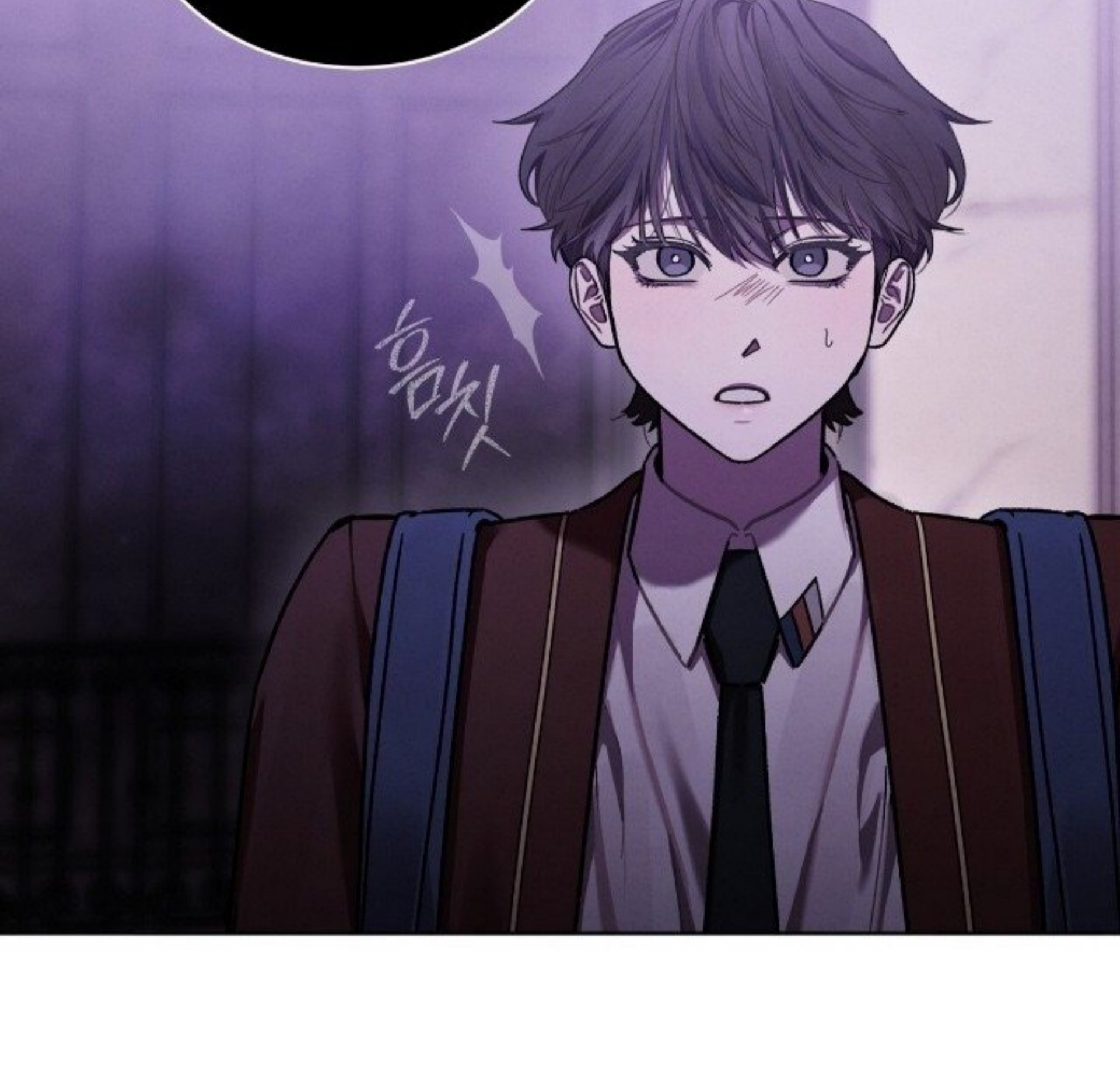
داری با من
شوخی می کنی؟



مگه من
اسباب بازیتم!



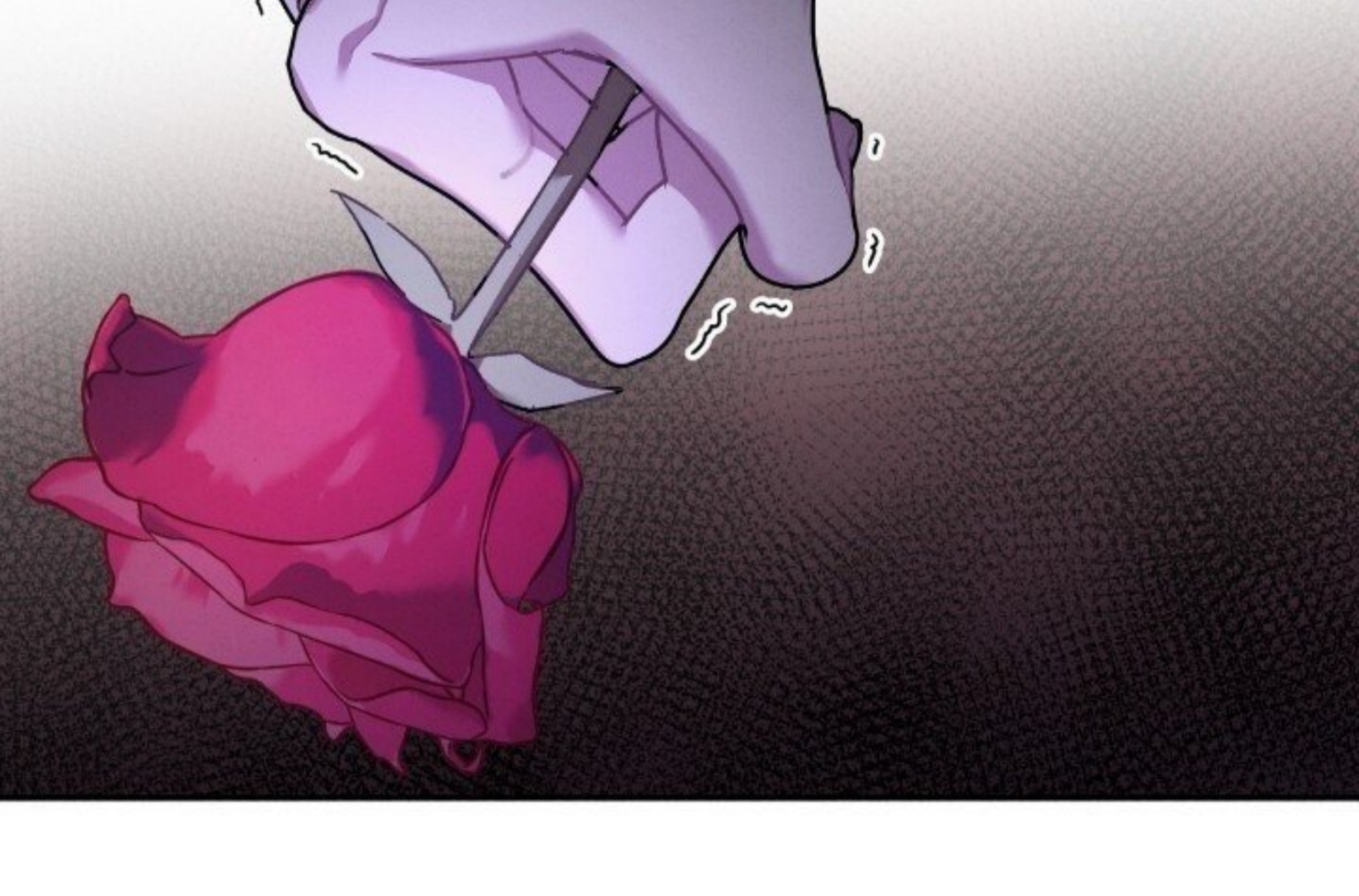
اه، لعنتی.
گوشه‌هام داره سوت
می‌کشه.



اگه خوش
نمی‌آد، همون بهتر که
تو اناقت بمونی.

من با کسایی
که دلشون نمی‌خواد
بازی نمی‌کنم.





کاری اینجی
مندی ادیت افوی سسکای
و فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
فعال کنید

♪ 宗 宗



宗 宗 宗 宗



تف بهش،
صدا خیلی بلند!

짜!



این موقع
شب دارن چی کار می کنن
که این قدر سرو صدا راه
انداختن؟

저벅
저벅



واقعاً
افتضاحه...



غورررررر

음척

يييي




هوف،
گشتمه.




باید بعد از
مدرسه یه سر به فروشگاه
می زدم...

وایسا، این وقت
شب نباید آشپزخونه
خالی باشه؟






یکم پیش
دیدم که کارگراها زودتر
رفته بودن.



یه سر می رم
پایین، یه چیزی واسه
خوردن بردارم.



هی،
تو کی هستی که از
اون جا داری می آی
پایین؟



اون موجونگ هوئه
لاشی نمی ذاره کسی بره
طبقه ی بالا، چون می گه
اتاق خودشه.



هی تو،
همون جا وایسا.



آه.



خ-خفه شرم
(سرفه، سرفه!)

هی



تو، تو یه
امگای مغلوبی؟



چی؟ همه شون
آفان...!



به خاطر بوی

سیگار دیر متوجه شدم!

خطرناکه.

فکر کنم باید دوباره برگردم طبقه دوم؟



چی تو دستته؟ دفتر مشق؟

آخیی، تو این وضعیت می‌خوای درس بخونی؟

کیک کیک هی، این جالب به نظر می‌رسه. بگیریمش باهش حال کنیم؟

ن-نه!

تو فقط به امگای مغلوب



ضعیفی، چی داری
می گی؟

شماها اینجور
چیزا رو دوست
دارین، نه؟

نه، اصلاً نه!

به خاطر بوی
فرمون هاش نمی تونم
هیچ نیرویی توی بدنم
حس کنم!

بیا با هم
یه بازی باحال
کنیم~

هی، بگیرش.
بگیرش.

타악

و-ولم کنین!





자카



스



.....

ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به ما
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و ما رو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)